



امام موسی کاظم (ع)؛ گنجینه فضیلت و تبلور صبر و شکیبایی

بیست و پنجم رجب سالروز شهادت هفتمین پیشوای شیعیان امام موسی کاظم (ع) است؛ امام همامی که با صبر و شکیبایی، تمام تلاش خویش را برای تحکیم پایه های اسلام راستین به کار بست و در برابر حکومت جور و ظلم عباسی ایستاد و شاگردان بنامی را تعلیم و تربیت کرد.

بیست و پنجم رجب سالروز شهادت هفتمین پیشوای شیعیان امام موسی کاظم (ع) است؛ امام همامی که با صبر و شکیبایی، تمام تلاش خویش را برای تحکیم پایه های اسلام راستین به کار بست و در برابر حکومت جور و ظلم عباسی ایستاد و شاگردان بنام، با تعلیم و تربیت کرد.

ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) هفتمین امام شیعیان در هفتم صفر 128 هجری قمری در ابواء محلی میان مکه و مدینه دیده به جهان گشود. پدرش امام صادق (ع) ششمین امام و پیشوای مومنان و حمیده مادر ایشان از زنان پاکدامن و درستکار بود. امام موسی کاظم (ع) به دلیل زهد و عبادتش در میان پیروانش به العبد الصالح مشهور شد و به خاطر داشتن حلم، بردباری و فروبردن خشم خویش به کاظم شهرت یافت. از لقب های دیگر ایشان می توان به «امین و صابر» اشاره کرد و کنیه های امام هفتم (ع) «ابوعلی، ابوالحسن، ابوابراهیم، ابواسماعیل و باب الحوائج» است.

این امام همام (ع) از چشمه دانش الهی و علم بیکران پدرش بهره های فراوانی برد و با آموزه های اسلامی و برترین صفت های انسانی همچون پارسایی، تقوا و بخشندگی آشنا شد و آن را توشه راه خود برای پیشوایی مسلمانان کرد.

توانایی و استعداد بی نظیر باب الحوائج (ع)، در مناظره و گفت و گوهای علمی میان ایشان و دانشمندان زمان خویش تبلور یافت و مخالفان و دشمنان خاندان عصمت و طهارت را بیش از پیش نگران ساخت. با شهادت ششمین پیشوای شیعیان، رهبری دینی، علمی، سیاسی و تربیتی امام کاظم (ع) آغاز شد. اندیشه های سیاسی امام موسی بن جعفر (ع)، بر اصول شریعت و سنت پیامبر (ص) و امامان استوار بود. هفتمین ستاره آسمان امامت در علم، حلم، فروتنی، سخاوت و بخشندگی زبانزد همگان بود و بدخواهان و دشمنان خویش را با عفو و احسان بی مانندش تربیت و راهنمایی می کرد.

دوره امامت موسی بن جعفر (ع) با حکومت جور خلیفه های بنی عباس همچون منصور دوانیقی، مهدی عباسی، هادی عباسی و هارون الرشید همزمان بود. این امام معصوم (ع) با وجود تمام محدودیت ها و ظلم های حاکمان همواره تلاش خویش را برای انجام دادن رسالت سنگین امامت و هدایت مسلمانان به کار می بست و با تربیت افرادی شایسته و ورود آنها به دستگاه حکومتی، از وجود آنان در پیشبرد منافع و هدف های جامعه مسلمانان بهره می جست.

محبوبیت و جایگاه خاص ایشان در میان مردم و اعتقاد آنها به شایستگی امام موسی کاظم (ع) برای نشستن بر مسند خلافت و امامت موجب شد تا خشم دستگاه حاکم بر انگیزه شود و مهدی خلیفه عباسی، دستور داد تا امام (ع) را در بغداد دستگیر کنند، اما پس از خوابی که دید و به دلیل شخصیت امام (ع) با عذرخواهی موسی بن جعفر (ع) را آزاد کرد. بیشتر عمر امام موسی کاظم (ع) در تبعید و زندان گذشت و سالیان متمادی مورد آزار و اذیت دستگاه جور بنی عباس قرار گرفت.

سرانجام هارون الرشید خلیفه ظالم عباسی، با دستور به سندی بن شاهک امام هفتم (ع) را در 25 رجب 183 هجری قمری و در 55 سالگی مسموم کرد و به شهادت رساند. پیکر پاک ایشان در مکانی به نام قریش که بعدها کاظمین نامیدند به خاک سپرده شد.

«حجت الاسلام محمدباقر نادم» معاون پژوهش و مطالعات راهبردی موسسه سیره شهدا به مناسبت سالروز شهادت امام موسی کاظم (ع) هفتمین پیشوای شیعیان در گفت و گو با پژوهشگر گروه اطلاع رسانی ایرنا با اشاره به ویژگی های این امام همام (ع) گفت: امام موسی کاظم (ع) دارای صفت ها و ویژگی های ممتازی بود که به دلیل فرو خوردن خشم، حلم و بردباری در برابر مشکلات روزگار به «کاظم» شهرت یافت. «شیخ عباس قمی» در باب نهم «منتهی الآمال» در خصوص نیکی کردن و فروبردن خشم روایتی را از امام هفتم (ع) نقل می کند که می فرماید: «احسان کردن به دیگران مانند غل و زنجیری بر گردن احسان شده است که آن را بیرون نمی آورد مگر با احسان کردن در مقابل این احسان و یا شکر کردن آن» اگرچه صفت فرو بردن خشم، در سیره تمام ائمه اطهار (ع) آشکار بود، اما در وجود امام کاظم (ع)، تبلوری ویژه داشت. با آنکه دشمنان، ظلم های زیادی به امام (ع) روا داشتند، اما ایشان هرگز لب به نفرین نگشود. «ابن اثیر» تاریخ نویس اهل سنت نیز در این باره می گوید: «آن حضرت را کاظم نامیدند؛ چرا که همواره با فردی که به او بدی می کرد، با نرمی سخن می گفت و به او نیکی می کرد.»

وی ارتباط این امام همام (ع) با خالق و مخلوق را بسیار نزدیک و معنوی دانست و توضیح داد: امام کاظم (ع) همچون اجدادش فردی عابد و باتقوا بود و همواره در حال عبادت و بندگی به سر می برد و با قرآن و کلام وحی انس بسیاری داشت. ایشان با صوت دلنشین قرآن را قرائت می کرد به نحوی که دیگران با شنیدن آن می گریستند. مردم مدینه به جهت عبادت های خالصانه هفتمین پیشوای شیعیان، به او لقب «زین المجتهدین» داده بودند و «شیخ مفید» در این ارتباط می گوید: «او عابدترین و فقیه ترین و بخشنده ترین و بزرگ منش ترین مردم زمان خود بود، زیاد تضرع و ابتهال به درگاه خداوند متعال داشت.» امام هفتم (ع) همواره از فقیران و مستمندان دستگیری می کرد و شبانه پول و آذوقه در ظرفی می ریخت و به تهیدستان مدینه می رساند، هنگامی که امام (ع) به عراق رفتند، مردم مدینه از این خبر بسیار ناراحت شدند.

این پژوهشگر امور دینی با اشاره به شهرت امام موسی کاظم (ع) به «باب الحوائج»، اظهار داشت: اهتمام هفتمین ستاره آسمان امامت به برطرف ساختن مشکل دیگران، دلیل اختصاص یافتن این صفت به ایشان محسوب می شود و وی بسیار بر این

مساله تاکید داشت. شیعه و غیر شیعه به این که لقب «باب الحوائج» به امام(ع) نسبت داده شده است با هم اتفاق نظر دارند. از جمله «خطیب بغدادی حنبلی» در کتاب «تاریخ بغداد» تصریح می کند که مردم این عنوان را به خاطر زیاد بودن توسل همگان به این امام همام(ع) به او داده اند.

وی جایگاه علمی امام موسی کاظم(ع) را بسیار ممتاز دانست و افزود: علم و کمالات امام کاظم(ع) زبانزد خاص و عام بود. علاوه بر تمجید و ستایش علما و بزرگان شیعه، وی را دانشمندان و بزرگان دیگر مذاهب و مخالفانش نیز ستوده اند. چنانچه «هارون الرشید» خلیفه عباسی می گوید: «او حجت خدا بر مردم و وارث علم انبیا است» و «محمد بن احمد ذهبی شامی» متعصب و ضد شیعه در «میزان الاعتدال» در توصیف امام(ع) نوشته است: «او از بهترین حکیمان است».

نادم درباره نحوه تشکیل حوزه علمیه امام(ع) و شاگردان ایشان، گفت: از تلاش های امام موسی کاظم(ع) در زمان خویش، ایجاد سازمان علمی و ساختار فکری شیعه برای تربیت شاگردان برجسته و صالح بود. گروه زیادی از عالمان و روایان حدیث، پیروان ایشان گرد آمدند و این امام همام(ع) با توانایی بسیار، نظر و اندیشه های خردمندانه خود را در علوم مختلف دینی برای آنها بیان کرد و منابع فراوانی شامل احکام اسلامی در موضوع فقه، حدیث و کلام اسلامی تدوین شده که به امام هفتم(ع) منسوب شده است. «سید بن طاووس» از علما و نویسندگان شیعه می نویسد: «یاران و نزدیکان امام(ع) در مجلس درس آن بزرگوار حاضر می شدند و لوح های آبنوس در آستین ها داشتند، هرگاه او سخنی می فرمود یا در موردی نظری ارائه می داد به ضبط آن مبادرت می کردند».

وی در ادامه شاگردانی را که امام موسی کاظم(ع) در طول عمر با برکت خود تربیت کرد، برجسته دانست و یادآور شد: شاگردان امام(ع) به مکتب اهل بیت(ع) گرایش داشتند و همگی از نخبگان و روایان حدیث بودند، اما در این میان 18 تن به راستگویی و حفظ امانت در حدیث مشهور بودند و نقل های روایی آنان اعتبار و اطمینان زیادی دارد که بیشتر محدثان به درستی روایت هایشان اعتراف می کنند. شش تن از آنان شاگردان امام باقر(ع) و شش تن دیگر از اصحاب امام صادق(ع) و بقیه از تربیت یافتگان امام کاظم(ع) بودند. موضع گیری های سیره تربیت عقلانی که امام هفتم(ع) داشت، برای زمان کنونی و رویارویی در برابر شبهه ها و انحراف های دشمنان، بسیار کاربردی به شمار می رود.

معاون پژوهش و مطالعات راهبردی موسسه سیره شهدا، به شیوه های مبارزه امام موسی کاظم(ع) پرداخت و تصریح کرد: سال های پایانی عمر امام(ع) که همزمان با حکومت هارون الرشید بود، هارون با کینه توزی تمام تلاش خویش را برای جدا کردن امت از مقام ولایت و ایجاد زمینه شهادت امام(ع)، به کار بست. اما در مقابل ایشان شیوه هدایت گرانه ای را در پیش گرفت و چنان با نرمی و لطافت آمیخته با حکمت با مخالفان رفتار کرد که آنها شیفته حلم و کرامت اخلاقی امام هفتم(ع) شدند و قدم در مسیر هدایت نهادند. از دیگر اقدام های این امام فرزانه پایه ریزی نظام وکالت و همچنین تداوم شیوه تعلیم و تربیت پدر بزرگوارش امام صادق(ع) بود. هفتمین پیشوای شیعیان(ع) بعضی از شاگردان خود را به عنوان فقیه و عالم معرفی می کرد و برخی از سوال های رسیده را برای پاسخ گویی پیش آنها می فرستاد که این امر تا دوران وکالت نواب اربعه و وکالت عام فقیهان ادامه یافت.

این پژوهشگر امور دینی درباره نحوه برخورد امام موسی کاظم(ع) با فرقه ها و حزب های سیاسی و مذهبی، گفت: مهدی عباسی که از سیاست عباسیان به عنوان اصلی ثابت پیروی می کرد و از روش پیشینیان خود الگو می گرفت، به دلیل مصلحت اندیشی نسبت به علویان انعطاف بیشتری نشان داد و تمامی زندانیان و دارایی هایی را که از آنها به غارت رفته بود، آزاد کرد. امام موسی بن جعفر(ع) از این وضعیت به وجود آمده برای گسترش آموزه های اسلامی و تعامل با فرقه ها سیاسی و مذهبی مختلف بهره جست. اما سال های پایانی عمر امام(ع) که 14 سال آن همزمان با حکومت هارون بود از سخت ترین دوران زندگیش به شمار می رفت.

نادم سپس به استبداد موجود در زمان حکومت عباسی اشاره کرد و اظهار داشت: جنایت های خلیفه های ستمگر بنی عباس بسیار زیاد بود. آنها زیر پوشش اسلام و با شعار سرکوبی فتنه صدها تن را زیر دیوارها و میان ستون ها، گچ می گرفتند و شمار بسیاری را نیز در تاریکی زندان ها حبس می کردند و به قتل می رساندند. شبیه همان کارهایی که امروز تکفیری ها و گروه های سلفی جهادی به نام داعش و جهاد مرتکب می شوند.

وی در پایان به نحوه زندانی شدن امام(ع) و شهادت ایشان پرداخت و افزود: در زمان سکونت امام هفتم(ع) در مدینه هارون افرادی را برای محافظت از ایشان مامور کرده بود تا آنچه را که در اطراف خانه ایشان می گذرد به وی اطلاع دهند. اما امام موسی بن جعفر(ع) بدون آن که ترسی از دستگاه جبار هارونی داشته باشد به روشنگری های خود ادامه می داد. هارون اقدام ها و قیام های شجاعانه ای را که امام(ع) و پیروانانش انجام می دادند، فتنه می نامید و از آنجا که این امام همام(ع) لحظه ای از برطرف ساختن ظلم و سرنگون کردن حکومت جبار غافل نبود، از وجود ایشان سخت بیمناک بود و مدتی که از چهار تا 14 سال نوشته اند امام(ع) را زیر نظر گرفت و زندانی کرد و سرانجام دستور داد تا ایشان را به شهادت برسانند. هارون با توجه به جایگاه والای ایشان در میان مردم کوشید تا حقیقت مسمومیت و شهادت امام هفتم(ع) را وارونه جلوه دهد و وانمود کند که این امام همام(ع) به مرگ طبیعی از دنیا رفته است و دستور داد تا پیکر پاک ایشان را در قبرستان دور افتاده ای به نام «مقابر قریش» به خاک بسپارند، اما حقیقت هرگز پنهان نماند و از همان زمان آن آرامگاه نورانی، عظمت و جلال خاصی پیدا کرد و مورد توجه همگان قرار گرفت و از این رو آن مکان مبنای تاسیس شهر کاظمین و موجب رونق و آبادانی آنجا شد.